

تحلیلی بر فیلم سینمایی «ویلاي ساحلی» آخرین ساخته «کیانوش عیاری»

یک فیلم مصلحت اندیش

مهدي قنبر || نویسنده و منتقد سینما

گروه «کیومرث پوراحمد» است که تصادفاً در لوکیشنی با همین مختصات خودکشی کرده تداعی گر یک اتفاق تاریخی می شود.

اکثریت حاضرین در این ویلا جوانان، دختران و پسرانی هستند که چون محدودیتی برای حضور در هتل های رسمی کشور دارند پا به چنین محلی می گذارند. «ویلاي ساحلی» با حضور شخصیت یونس برای آنان به نوعی پناهگاهی امن تبدیل می شود چنانچه با وجود حوادث و دعوای مکرر در آن بازهم این ویلا را ترک نمی کنند و داستان فیلم ادامه پیدا می کند.

فیلم ویلاي ساحلی جدیدترین ساخته کیانوش عیاری است که در سینماها اکران شده است. عیاری پس از آنکه فیلم کاناپه اش به محاق توقیف رفت تصمیم گرفت به سراغ یک کمدی بفروش برود. حضور بازیگران امتحان پس داده ای چون پژمان جمشیدی و رضا عطاران در فیلمی که کارگردانش قواعد ساخت فیلم به هر شکلی را به خوبی بلد است نشان می دهد که مخاطب باید منتظر یک اتفاق ویژه در سینماها باشد.

کیانوش عیاری با تیزهوشی خاص و رندانگی هنرمندانه ی خودش فیلم «ویلاي ساحلی» را نوعی انتخاب مصلحت اندیشانه می داند اما این فیلم مصالح نگر، دارای کنایه ها و نگاهی انتقادی نسبت به جامعه است. «خیانت در امانت» تم اصلی فیلم «ویلاي



همه ساکنان ویلاي ساحلی

افراد حاضر در این ویلا در یک چیز باهم مشترک اند. همگی به این «ویلاي ساحلی» نیاز دارند. این ویلا ماهیت و علت حضورشان را تعریف می کند. مالک اصلی که رفته هنوز هم با وجود اینکه اختلاس کرده به بازگشت می اندیشد. زیرا آن را به فردی امین سپرده تا از ویلا و عتیقه هایش محافظت کند. او هویت خود را در آن ویلا جستجو می کند و خانواده اش حتی روی گیاهانی که در آن ویلا می رویند حساسیت دارند. «یونس» که مسئول مراقبت از این خانه است نیز نسبت به آن احساس مسئولیت می کند زیرا این خانه جدید به او و خانواده اش شرایط زیست بهتری می دهد. فرخ، دایی خانواده که به دلیل تسویه بدهی هایش دست از سر خانه و خانواده یونس که اکنون به گنج رسیده اند برنمی دارد با کمک یونس از این ویلا و اجاره اتاق های مجلل، زیبا و بزرگ آن می کوشد تا بر مشکلات اقتصادی خود و البته یونس فائق آید. جوانانی که به دلیل قوانین پذیرش مسافر در هتل ها از حضور در این ویلاي ساحلی و امن استقبال می کنند. این «ویلاي ساحلی» محفل، محفل و مأمنی برای همگی مالکان قدیمی، جدید و مستأجرانش است. در ویلا مانند هر خانه امن دیگری شاهد اختلاف ها، درگیری ها، نزاع ها و نیز شکل گیری دوستی ها، شادی ها و غم ها هستیم. این ویلاي ساحلی بی اغراق یک سرزمین رؤیایی و مدینه فاضله ای است که کیانوش عیاری در ذهن می پروراند. در این خانه هر اتفاقی بیفتد کسی به کسی ظلم نمی کند. حتی وقتی از بیرون افرادی دزدانه وارد خانه می شوند تا نسبت به یکی از اهالی خانه تعرض کنند با همکاری و هماهنگی همه اعضای ویلا که البته اختلافاتی هم دارند به بیرون هدایت می شوند. پس دعوا و درگیری و اختلاف نظر در این خانه هست اما ظالمی از بین آن برنمی خیزد.

برخلاف نظر «ساناز» دختر خانواده اگر ملک کسی را به غیر اجاره داده شود و خیانت در امانت شود او مجرم است. اما در

ساحلی» است اما این موضوع از دو وجه دیده می شود. سطح کلان آن به شخصیت «بهرام چاوشی» مالک اصلی «ویلاي ساحلی» بازمی گردد. او از اموالی که به امانت در اختیارش بوده با خیانت در آن سوءاستفاده کرده و به دلیل اختلاس متواری شده است. سطح دیگر خیانت در امانت هم به فرخ و یونس برمی گردد که هر دو (فرخ و یونس) از سر ناچاری مجبور می شوند در امانتی که در اختیارشان قرار گرفته خیانت کنند تا از پس مخارج زندگی شان برآیند.

در هر دو سطح خیانت در امانت صورت گرفته است. اما یکی به نیت مال اندوزی و دیگری از سر ناچاری. یکی اموال ملتی را به سرقت برده و دیگری از خانه شخصی که به امانت داشته سوءاستفاده کرده است. اما در قانون گویی هردو برابرند چه تخم مرغ دزد چه شتر مرغ دزد؛ در این فیلم اما دزدی به دزد دیگری زده است.

لوکیشن ثابت و هویت معناپذیر

اساساً زمانی که کیانوش عیاری یک ساختمان ثابت را به عنوان لوکیشن وقایع و اتفاقات در نظر می گیرد بی شک آن مکان شخصیت ثابت و معناداری پیدا می کند. از این رو باید

پذیرفت که «ویلاي ساحلی» یک شخصیت مهم کلیدی و نمادین دارد. ویلاي ساحلی که مالک اسمی آن فرار کرده و رفته است و پر از وسایل و عتیقه جات گران بهایی است که برخی در پی سرقت آن هستند. سرایدار جدید این ویلا هم ناچار می شود برای معاش اتاق های آن را اجاره دهد تا خرج خانواده و بدهی نزدیکانش را بپردازد. در این میان هم مسافرانی در این ویلا تردد می کنند که هر یک داستان های متفاوتی دارند. دختر فراری که با حمایت زنان ویلا از دست برادر متعصبش نجات داده می شود. گروه فیلم سازی که برای ساخت سریالی به این ویلا می آیند و چون کارگردان آن

اساساً زمانی که کیانوش عیاری یک ساختمان ثابت را به عنوان لوکیشن وقایع و اتفاقات در نظر می گیرد بی شک آن مکان شخصیت ثابت و معناداری پیدا می کند. از این رو باید پذیرفت که «ویلاي ساحلی» یک شخصیت مهم کلیدی و نمادین دارد. ویلاي ساحلی که مالک اسمی آن فرار کرده و رفته است و پر از وسایل و عتیقه جات گران بهایی است که برخی در پی سرقت آن هستند